

نظم دادن به خانه بدون کنترل کننده بودن

نویسنده: پُل دیوید تریپ

شدیداً بر این باورم که فقط دو شیوهی زندگی وجود دارد: (۱) اعتماد به خدا و تسلیم اراده و قانون او شدن و یا (۲) آنکه سعی کنید خدا شوید. مرز بین این دو یک تار مو است. ظاهراً ما به دلیل گناهکار بودن بیشتر به نوع دوم متمایل هستیم. این رفتار روحانی دقیقاً در مرکز فرزندپروری و ازدواج جای دارد.

فرزندپروری

فرزندپروری نمونه به معنی آن است که به شیوه‌های صحیح چنانکه خداوند از ما خواسته از کنترل کردن بپرهیزیم. هدف فرزندپروری پرورش کودکانی است که روزگاری به ما وابسته بودند تا اینکه افراد مستقل و بالغی شوند و با توکل و اعتماد به خدا و ارتباط مناسب با جامعه‌ی مسیحی بتوانند روی پاهایشان باستند.

در سالهای اولیه‌ی فرزندپروریمان همه چیز را تحت کنترل داریم، گرچه از اضطراب ناشی از آن گله‌مندیم، اما در تمنای قدرتیم. نوزادان و کودکان قادر به انجام اکثر کارها نیستند. ما غذا، زمان استراحت و نحوه‌ی ورزششان را انتخاب میکنیم و آنچه میبینند و میشنوند، کجا میروند، دوستانشان چه کسانی هستند و فهرستی بیپایان از این قسم را تحت کنترل خود داریم.

هرچند حقیقت این است که از همان روز اول فرزندانمان به شکلی مستقل در حال رشد هستند. نوزادی که روزگاری به تنهایی قادر به غلت خوردن نبود، اکنون بدون اجازه‌ی ما سینه‌خیز تا حمام میرود و یک حلقه‌ی کامل دستمال توالت را باز میکند. همین کودک به زودی از خانه خارج میشود و به مکانهایی دور از دسترس‌مان میرود.

چه تعداد والدین با دوستانی که فرزندان‌شان انتخاب کرده‌اند، مشکل دارند؟ بله، انتخاب دوست یک مساله‌ی بسیار جدی است و همین جا است که کنترل بر فرزند بالغ‌مان را از دست میدهیم. هدف از فرزندپروری حفظ کنترل مقتدرانه بر فرزندانمان با هدف اطمینان از امنیت و سلامتشان نیست. فقط خداوند قادر به اعمال چنین کنترلی است. هدف این است که از خدا بهره ببریم و از طریق کلام خدا خویشتن‌داری بلوغ‌یافته و پایدار را در فرزندانمان ایجاد کنیم و این گونه به آنها اجازه دهیم تا چرخه‌های بیپایان انتخاب، کنترل و استقلال را تجربه کنند.

به عنوان مشاور و کشیش مرتباً با والدینی سر و کار دارم که میخواهند زمان را به عقب برگردانند. آنها فکر میکردند تنها امید، بازگشت به روزهای گذشته و کنترل کامل شرایط است. آنها سعی داشتند با نوجوانشان مانند یک خردسال رفتار کنند. آنها بیشتر زندانبانند، نه والدین و این گونه فراموش میکنند که انجیل را که تنها کورسوی امید در آن لحظات حساس است، بکار ببندند.

باید سه حقیقت از انجیل را به یاد داشته باشیم، زیرا این حقایق به مشکلات فرزندپروری مربوطند:

۱. هیچ شرایطی وجود ندارد که تحت کنترل نباشد، زیرا مسیح به جهت کلیسا بر همه چیز نظارت دارد. (افسیان ۲۲: ۱).

۲. نه تنها اوضاع تحت کنترل است، بلکه «می‌دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند، همه‌ی چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند.» (رومیان ۸: ۲۸). از این رو نیاز ندارم خواسته، تفکر و کردار کودک در زمان بلوغ را کنترل کنم. در هر موقعیت او تحت پوشش کنترل مسیح است و آنچه را که من نمیتوانم انجام دهم، مسیح به انجام میرساند.

۳. هدف فرزندپروریم شبیه شدن فرزندان به تصوراتم نیست، بلکه شبیه شدن آنها به صورت مسیح است. هدفم این نیست که سلیقه، نظرات و عاداتم را بر فرزندان تحمیل کنم. من به دنبال تصورات خویش در آنها نیستم؛ من مشتاق دیدن صورت مسیح در آنها هستم.

نمیتوانیم بدون توجه صادقانه به آنچه برایش تلاش میکنیم، فرزندپروری کنیم. اگر موفقیت، قدردانی و کنترل بر قلبمان حاکم باشد، ناخواسته میل داریم فرزندانمان به جای اینکه به نیازهای روحانشان برسند، انتظاراتمان را برآورده کنند. به جای اینکه لحظات تلاش را فرصتی خدادادی ببینیم، آنها را محرکهای ناامیدکننده و عذابدهنده میپنداریم و خشم فزایندهای را علیه همان کودکانی تجربه خواهیم کرد که مسئولیتشان را بر عهده داریم.

ازدواج

ازدواج هم همین طور است. ازدواجهایمان در این دنیا به گونهای روی میدهد که طبق خواسته‌ی خدا نیست. ازدواجهایمان به نوعی و به طریقی متأثر از ناپایداری روزمره‌ی جهان است. شاید این مساله ناشی از ضرورت زندگی و دردهای نه چندان مهم دنیای متزلزل است و یا شاید این ما هستیم که به گونهای با مسائل بزرگ روبرو هستیم که روند زندگی و ازدواجهایمان را تغییر داده‌اند. اما از یک چیز مطمئنم: ما از شرایطی که خدا برایمان مقدر کرده است، نمی‌گریزیم.

در این دنیای وانفسا ازدواج میکنیم و این امر تصادفی نیست. باید با کردهایمان سر و کار داشته باشیم و این هم تصادفی نیست. هیچ یک از اینها سرنوشت، بخت یا اقبال نیست. همه‌ی اینها بخشی از نقشه‌ی نجات خداست. اعمال رسولان باب ۱۷ میگوید که خداوند مکان دقیق زندگی و طول عمرمان را تعیین میکند.

خدا میداند کجا زندگی میکنیم و از آنچه با آن روبرویم، شگفت‌زده نیست. حتی اگر با چیزهایی روبرو شویم که برایمان بیمعنی باشد، اما آنها باز هم معنیدار و هدفمندند. متقاعد شده‌ام که شناخت این دنیای سقوط کرده و هدف خدا برای حفظ کردن ما در آن به دلیل یک اصل بنیادین یعنی بنای ازدواج بر اساس اتحاد، تفاهم و محبت است.

چنان که دیده می‌شود اکثرمان یک الگوی خوشبختی شخصی داریم. اینکه بخواهید خوشبخت باشید، اشتباه نیست و تلاش در راه خوشبختی زناشویی نیز اشتباه نیست. خداوند توانایی لذت را به ما ارزانی داده است و چیزهای شگفتی برای لذت بردن در اطرافمان قرار داده است. مسئله اشتباه بودن لذت نیست، مساله آن است که نمیتوان آن را هدف انگاشت. خدا به مطالب عمیق، ضروری و ابدی نظر دارد.

خداوند یک الگوی تقدس درونی دارد. نگذارید در اینجا به کژفهمی دچار شوید. منظورم این است که خداوند میخواهد به مدد مشکلات روزمره‌مان ما را تغییر دهد. او در محبتش میداند ما به طور کامل آنچه برایش خلق شده‌ایم، نیستیم. شاید پذیرش دشوار است، اما هنوز درونمان آکنده از گناه است و این گناه مانع آنچه میخواهیم بشویم و آنچه برای انجامش طراحی شده‌ایم، است (گناه بزرگترین مانع اتحاد، تفاهم و محبت در ازدواج است).

خدا از مشکلاتی که اینجا و اکنون وجود دارند، برای تغییرمان استفاده میکند، یعنی میخواهد ما را از دست خودمان نجات دهد. از آنجایی که خداوند دوستان دارد، مشتاقانه برای رشد ما در نجاتمان که به آن متعهد است از روی اراده‌ی خود شادی‌های لحظه‌ای ما را منقطع کرده و یا به خطر می‌اندازد.

وقتی الگوی خدا را می‌پذیریم، زندگی معنیدارتر میشود و مشکلات پیشاپیمان نه تنها غیر منطقی نمی‌نمایند، بلکه در حکم تغییرند. هنوز خداوند به ما و ازدواج امید دارد، زیرا او در میانه‌ی مشکلاتمان است و آنها را وسیله قرار میدهد تا از ما آنچه می‌خواهد، بیافریند. وقتی خداوند این کار را انجام میدهد، نه تنها به زندگی بهتر واکنش نشان میدهیم، بلکه افراد بهتری برای زندگی میشویم و نتیجه‌اش ازدواج بهتر است.

از این رو این دنیای متزلزل و آنچه در آن است، به شکل و طریقی به خانهمان وارد خواهد شد، اما لازم نیست بترسیم. خدا با ما است و عمل می‌کند تا در درون ما و از طریق ما نتایج این دشواری‌ها را نیکویی تبدیل کند.

دکتر پُل دیوید تریپ (@ PaulTripp) کشیش، سخنران و مولف کتب متعددی نظیر *What Did You Expect?* و *New Morning Mercies* است. وی بنیانگذار و رئیس «پل تریپ مینیستری» می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبِل‌تاک](#) منتشر شده است.